

از "مجاهد" ملا محمد عمر آخذ تا زلمی خلیل زاد:

ملت افغانستان دلچسپی و علاقه مندی ندارد که در اثر تفاهمات کشورهای ذی نفوذ جهان در نتیجه زد و بند های قوای ائتلاف در منطقه با همدستان و مجریان افغان شان در تبادل امتیازات و اخذ پول های کلان، کدام شخصیتی را منحیث فرد اول مملکت (از ملا محمد عمر آخذ تا زلمی خلیل زاد یا شخص توافقی دیگر) در رأس دستگاه فاسد و گندیده کابل می گمارند.

افراد آگاه به سیاست و آشنا به نیروهای بازیگر افغان از نخستین روزهای به قدرت رسانیدن شان توسط قوای خارجی، امیدی به عملکرد خیرخواهانه، وطن دوستانه و افغانستان شمول، از اینها نداشتند. حال نیز مردم آگاه ما می دانند که مشکل افغانستان با تعویض رئیس جمهور از مجرای انتخابات غیر شفاف، لویه جرگه وابستگان دولتی، اجماع ملی یکجانبه، تعویض نظام ریاستی به پارلمانی یا اعلان حکومت اضطراری حل شده نمی تواند. همان گونه که تمرکز قدرت به فساد و دیکتاتوری می انجامد، در شرایط نا مساعد افغانستان، در حال جنگ و اشغال، دیموکراسی پیچکاری شده تحمیلی نیز فساد و انارشسیسم را به اوج اش رسانیده، شیرازه مملکت برهم خورده، سلامت کشور خدشه دار گردیده و دشمنان را جسورتر و گستاخ تر ساخته است.

1 : - آنچه پیشروی ملت دردمند، فرقه فرقه ساخته شده، نا امید و نا باور ما قرار دارد، نمایش به اصطلاح انتخابات است که در نبود تشکل ملی و دیموکراتیک و یا شخصیت مستقل محبوب ملی، منحیث کاندیدای متعلق به ملت با توجه به تجربه دو بار انتخابات گذشته، اصلاً اعتمادی به این خیمه شب بازیها، نزد اکثریت خاموش ملت بلاکشیده اعتباری باقی نمانده است.

2 :- اشتراک چند چهره آزمون شده ملینارد و ملیونر جنگ، فساد گسترده متکی به نیروهای قوای ائتلاف نا باور به رای مردم به نام انتخابات، بدون برنامه و زیر فشار خارجی ها به منظور گزارش و اغفال ذهنیت عامه کشورهای کمک دهنده به افغانستان، به طور غیر شفاف، غیر دیموکراتیک و غیر سراسری در سایه تئنگ، فضای نا امن انتحار و انفجار و نبود نمایندگان حقیقی ملت، جز تعویض در موقعیت چند مفسد، به مقامات دولتی، در آوردن صلح کوچکترین نقشی ایفا کرده نمی تواند.

3 : - تدویر لویه جرگه به بهانه تصویب پیمان امنیتی؟! که منجر به تداوم حاکمیت موجود و حکومت های محلی فساد پیشه، شبه ملک الطواییفی که متمایل به خود مختاری زیر نام فدرالیسم یا تقسیم چند زون و سیهم نمودن قوای چند گانه مسلح مخالف کشور، جز نسخه مضر برای تجزیه کشور چیزی بیش نیست.

4 : - اجماع ملی به مفهوم واقعی آن که میتواند منحیث یک گزینه منطقی، عملی و ممکن راهگشا باشد، حلقات انحصارگر حریص و تمامیت خواه، یکجانبه با زد و بند های مافیایی و تنظیمی دولت غرق در فساد، در انحصار خود خواسته، از حضور و اشتراک نمایندگان مسؤول و با صلاحیت مخالفین مسلح و کلیه نیروهای ترقی خواه، عدالت پسند و شخصیت های مستقل و ملی آزادی خواه، هراس دارند.

هموطنان آگاه : عاملین اصلی شرایط بوجود آورده شده و نکات فوق، در قدم اول همه افغان ها چه یک تابعیته در داخل یا دو تابعیته کشورهای همسایه یا کشورهای اسلامی یا کشورهای غیر مسلمان اروپا، امریکا و سائر کشورهای جهان، همین ما افغان ها بوده ایم که به دلایلی نا عاقبت اندیشانه، در برابر هم به دستور بیگانه سلاح برداشته و کشور را در پرتگاه نیستی سوق نموده، منافع ملی خویش را در برابر کفر و مسلمان نادیده گرفته و امروز از خواست ها و تأمین منافع استعماری شان شاکی هستیم. "چرا کاری کند عاقل که بار آرد پشیمانی" !

باری صدراعظم انگلستان تونی بلیر گفته بود: امروز ما برای اراضی نمی جنگیم، بلکه ما برای حفظ ارزش های خود می جنگیم. درواقع تعریف جدیدی از جنگ، که طرفدارانی در جهان دارد. آیا فرزندان افغانستان برای حفظ اراضی و ارزش های خود در خاک خود حق دفاع را ندارد؟ این حق مسلم ملت افغانستان است که بدون هدایت و دستور همسایگان حریص و طماع، خود وارد مذاکرات مستقیم با جامعه جهانی شوند و برای آزادی و احقاق حقوق حقه خود، حق انتخاب و نحوه دوستی با کشور های غربی، اسلامی، قدرت های جهانی، منطقه ای و همسایگان خود بر اساس منافع علایای کشور خود تعیین نمایند.

حالا زمان آن فرا رسیده که افراد وطن دوست و سالم از داخل دولت و شخصیت های وطن دوست در صف مخالفین مسلح دولت افغانستان با درک از حقایق و قربانی های که برای منافع دیگران متحمل گردیده ایم، به منظور حفظ منافع

علیای کشور خود با همکاری مستقیم سازمان ملل متحد، کنفرانس کشور های اسلامی، نهاد های مدنی و کشور های دوست برای حفظ افغانستان متحد، یکپارچه، مستقل، آزاد، دوست و همکار در کنار جامعه جهانی از فرصت پیش آمده دفتر سیاسی قطر استفاده نهایت معقول سیاسی برای آزادی از اسارت جسمی، فکری و ذهنی اشغال گران (شامل همه کشور ها، چه غربی و چه اسلامی و همه نیروهای افغان، چه دولتی و چه ضد دولتی) برای ختم جنگ و اشغالگری اقدام جدی و جسورانه صورت گیرد .

جنگ مخالفان مسلح زیر نام طالب ها و متحدین شان از کجا تمویل میشود؟ پاکستان اینهمه مصارف گزاف جنگ را پرداخته میتواند؟ اینهمه اختلافات قاتلانۀ رقبای نشسته دور خوان گسترده نعمت امریکا و دوستان همراه غربی شان ، دراین قتل ها و بربادی ها هیچ سهمی ندارند و واقعاً مشکل صرف در وجود طالب ها به همین سادگی تبلیغات سرکاری خلاصه میشود؟ یا که " این قصه سر دراز دارد ! "

جنگ وقتی قطع میشود که طرف متخاصم یا مقابل در جنگ به صلح بگراید و این کار در رابطه به طالبان وقتی صورت می گیرد که دولت آقای کرزی حد اقل از شرط گذاری های مثل دعوت کردن های میان خالی رژیم داکتر نجیب درس عبرت بگیرد و در عین اینکه طی دوازده سال گذشته در جنگ نیابتی به نام طالبان دست آوردی نداشته است و بایستی بداند که هیچک از طرف های جنگ فرمایشی، قدرت محو کامل طرف دیگر را ندارد. یعنی با طالب ها باید به توافق رسید، با پاکستان به صفت يك همسایه از راه دیپلماتيك به توافق رسید و نا ممکن است سیاست چند پهلوی و غیر ملی را بدون داشتن استقرار رأی چون سیاست های غلط کنونی به پیشبرد.

امروز صف مخالفان دولت بی کفایت و نالایق آقای کرزی بسیار وسیع شده است و سر به میلیون ها تن میزند، احمقانه است اگر گفته شود همه مخالفان دولت، طالب است.

نه آرزو های مردم از دولت آقای کرزی برآورده می گردد و نه از طالب ها حتی به دقت کلام هردو مخالف ملت و منافع ملی میباشد.

چون ملت امکان تعیین سرنوشت خویش را در این مدت کوتاه تا انتخابات ریاست جمهوری ندارد، پس از جامعه جهانی توقع می رود که حق زندگانی را برای ملت افغانستان به رسمیت بشناسد و زمینه حاکمیت وابستگان شانرا این بار مثل کنفرانس اول بن در دو صف مقابل هم نه بلکه پهلوی هم طی یکی از این نمایشات سیاسی مورد نظر شان ممکن گردانند تا از این طریق توانسته باشند از رسوایی بیشتر خویش جلوگیری نمایند و بهتر است به این نتیجه نیز برسند که دوستی ملت سلحشوری چون افغانستان برایشان مزیت های در قبال میداشته باشد .

برما افغانها است که به حل ریشه یی منازعات بین الا افغانی خویش که از همه اولتر تأمین عدالت اجتماعی به مثابه حلقه گمشده اتصال ملت ما، رضای خداوند متعال و ارج گذاری به خون شهدای راه آزادی کشور، از روی احساس و عقل باهم برای يك زندگی آبرومندانه کنار بیاییم . حمایت و همکاری کشور های ذی نفوذ و دارای اقتصاد قوی در بازار پُر رونق منطقه و چهار راه ستراتیژیک افغانستان که معادن و منابع سرشار در دامن خود دارد بیک کشور مهم و میزبان سرمایه داران جهان مبدل ساخته و از ماحصل آن برای شگوفائی کشور خویش عاقلانه و مسؤولانه استفاده بریم. به امید چنین روز

پایان

پایان